



Sheikh Mohammad Hassan Vakili

نقش علامه طهرانی در پایه گذاری نهضت انقلاب؛ در بیان مرحوم آیت الله حاج شیخ صدرالدین حائری

تاریخ انتشار: شنبه ۱۰ رجب ۱۴۳۵

هو العالی

به خاطر اخلاصی که داشتند به شدت بر کتمان آنچه انجام داده بودند اصرار می‌ورزیدند تا جائیکه یک بار فرمودند آیت الله ... (که از سوابق فعالیت‌های سیاسی حضرت علامه آگاه بوده‌اند) به بنده گفته‌اند که «من به آقای ... گفته‌ام سزاوار بود که این حکومت را آقا سید محمد حسین متولی شوند» و من از وقتی این سخن را از ایشان شنیده‌ام دیگر با ایشان رفت و آمد نمی‌کنم زیرا راضی نیستم این طور مطالبی راجع به بنده بیان شود.»

فهرست

- ۱- نقش علامه طهرانی در پایه‌گذاری نهضت انقلاب؛ در بیان مرحوم آیت‌الله حاج شیخ صدرالدین حائری
- ۲- نقش علامه طهرانی در پایه‌گذاری نهضت انقلاب؛ در بیان مرحوم آیت‌الله حاج شیخ صدرالدین حائری رضوان‌الله‌علیه
- ۳- خاطره‌ای دیگر

نقش علامه طهرانی در پایه‌گذاری نهضت انقلاب؛ در بیان مرحوم آیت‌الله حاج شیخ صدرالدین حائری

مرحوم آیت‌الله حاج شیخ صدرالدین حائری رضوان‌الله‌علیه از مبارزین سرشناس دوره طاعت و از جلوداران نهضت انقلاب اسلامی بودند. پس از انقلاب نیز با حضور در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل و پیشگامی در دفاع از آرمان‌های انقلاب اسلامی و همکاری با بنیان‌گذار کبیر جمهوری اسلامی ایران همواره چراغی فراروی حوزه علمیه شیراز و نیروهای مخلص انقلابی بودند. متن حاضر سخنرانی آن مرحوم در مجلس ختمی است که ایشان در شیراز برای رحلت علامه آیت‌الله حسینی طهرانی برگزار نمودند و در این سخنرانی به بیان نکاتی شیرین از تاریخ انقلاب و خصوصاً فعالیت‌های سیاسی علامه طهرانی اشاره می‌کنند. (به علت ضعیف بودن صدای نوار این جلسه برخی از کلمات مبهم بوده که به جای آن سه نقطه و یا در مقابل آن علامت (?)) قرار گرفته است.)

لازم به تذکر است که مرحوم علامه قدس‌سره در زمان حیات خود از بیان و شرح فعالیت‌های خود ابا داشته و در کتمان آن بسیار می‌کوشیدند و در کتاب وظیفه فرد مسلمان در حکومت اسلام فقط به ابعادی از کارهای

خود اشاره نمودند که روشن‌گر وظیفه مسلمانان در این راه بود نه آنچه نشان‌دهنده مجاهدات عجیب ایشان و فضائل شخصی‌شان می‌توانست باشد و به نقلی فقط یک ششم فعالیت‌های خود را بیان نموده بودند.

حضرت آیت حاج سیدمحمدصادق حسینی طهرانی مدظله می‌فرمودند:

«علامه والد کراماً می‌فرمودند:» ما همیشه پشتیبان این حکومت بوده و آن را تایید می‌کنیم و هیچ وقت داعیه اینکه ریاستی داشته باشیم نداشته و نخواهیم داشت.» و به خاطر اخلاصی که داشتند به شدت بر کتمان آنچه انجام داده بودند اصرار می‌ورزیدند تا جائیکه یک بار فرمودند آیت الله ... (که از سوابق فعالیت‌های سیاسی حضرت علامه آگاه بوده‌اند) به بنده گفته‌اند که «من به آقای ... گفته‌ام سزاوار بود که این حکومت را آقا سید محمد حسین متولی شوند» و من از وقتی این سخن را از ایشان شنیده‌ام دیگر با ایشان رفت و آمد نمی‌کنم زیرا راضی نیستم این طور مطالبی راجع به بنده بیان شود.»

نقش علامه طهرانی در پایه‌گذاری نهضت انقلاب؛ در بیان مرحوم آیت‌الله حاج شیخ صدرالدین حائری رضوان‌الله‌علیه

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و الصلوة و السلام على خير خلقه محمد و آله الطاهرين و اللعنة الابدية على اعدائهم اجمعين

علتی ندیدم در این جلسه صحبت کنم، اما احساس می‌کنم باری سنگین بر دوشم نهاده شده است، خواستم یک چند جمله‌ای درباره سوابق این مرد بزرگ مرحوم علامه طهرانی عرض کنم. واقعاً نسبت به این جریان متأثر و متأسف شدم. این ضایعه بزرگ.

یک اجمالی از برنامه‌های این مرد تا حدی که در ارتباط با ایشان بودم، فضائل ایشان در ابعاد مختلفی است. من نسبت به بعد سیاسی‌اش می‌خواهم صحبت کنم، نسبت به خدمات اجتماعی این مرد بزرگ، نسبت به سوابق انقلابی این مرد، می‌خواهم تذکراتی بدهم، غیر مسائل علمی ایشان مسأله اجتهاد ایشان، این‌ها یک مسائلی است که

این که می‌خواهم تذکر بدهم نسبت به مسائل اجتماعی ایشان است، این مردی بود تیزبین نسبت به مسائل. مردی بود تشکیلاتی و اشراف به مسائل سیاسی داشت، گوینده‌ای بود توانا، نویسنده‌ای بود از هر جهت شایسته.

در مسأله انقلاب بعد از جریان ۱۵ خرداد و آن هجرت روحانیت به تهران، در ارتباط دستگیری حضرت امام، در آن اجتماع قریب یک صد نفر از علماء شهرستان‌ها از شمال تا جنوب ایران جمع شدند، در این جلسه‌ای که غالباً اکابر علماء بودند، مسائل روز مطرح شد، مسائل مبارزه مطرح شد، مشکلات مبارزه مطرح شد، در این جلسه‌ها، روحانیت احساس کرد که باید یک برنامه‌های تقویتی تشکیلاتی سری داشته باشد، اجمالاً اتفاق پیدا کرد به نواقصی که در مسائل سیاسی داشت. در این جلسات تصمیم گرفتند برای بررسی این مسائل

برنامه‌هایی داشته باشند. خواهش می‌کنم این مسائل را یک قدری تأمل کنید، آنهایی که می‌خواهند منتقل کنند با دقت منتقل کنند.

ما مشکلی که آن روز داشتیم و روشن نبود در مسائل مبارزات، مسأله رخنه گروهک‌ها بود. چون برنامه مبارزات داشت وسعت پیدا می‌کرد. اما دروازه‌های نداشت، هر کسی هر جا لوائی برمی‌داشت. نکته مهم اینجاست، مرحوم امام برای جلوگیری از رخنه گروهک‌ها، آمد برای مسائل مبارزه، مسؤول گذاشت که هر فردی می‌خواهد وارد مسائل مبارزه شود باید از این طریق بیاید. مرحوم امام رضوان‌الله‌تعالی‌علیه، مرحوم علامه طهرانی، مرحوم آسید محمد حسین طهرانی را برگزید برای این کار.

کلیه افرادی که می‌خواستند در زمینه مبارزات همکاری کنند باید روی اینها کار بشود و روی اینها بررسی شود. بعد، اینها را معرفی می‌کردند به ایشان و در مرحله آخر، حلف دست ایشان بود که به خدمت ایشان قسم می‌خوردند، قسم می‌خوردند در سرحدّ شهادت. قسم دست ایشان بود.

مرحوم آسید عبدالحسین دستغیب رحمت‌الله‌علیه، مرحوم شهید دستغیب خدمت ایشان رسید و قسم خورد. بنده خدمت ایشان خدمت این مرد بزرگ قسم خوردم. الآن در همین جلسه چهره‌هایی می‌بینم که خدمت ایشان قسم خوردند. و برنامه تشکیلات سرّی را بنایش را ایشان گذاشت که برنامه، ۵ نفر، ۵ نفر بود. حالا مسائلی بود که کلیه افراد، هر کدامشان حق داشتند با چهار نفر با خودشان پنج نفر با یک فرد رابط ارتباط داشته باشند.

این تشکیلات، در مدت کمی، گسترش پیدا کرد در سرتاسر کشور، هر وقت مرحوم امام تصمیمی می‌گرفت، نظری داشت، با ایشان مشورت می‌کرد. مشاور امام، ایشان بود. کلیه برنامه‌های اطلاعیه‌ها، نظرها، بوسیله افراد اینها در اقلّ زمان، منتشر می‌شد. این افراد در سرتاسر کشور بودند، ممکن بود در خارج هم باشند. کلیه مسائل‌های مبارزه تحت نظر ایشان اداره می‌شد. و به این برنامه جلوگیری از رخنه گروهک‌ها در این انقلاب شد.

و این که می‌بینیم یک عده‌ای [گروهک‌ها] بودند، اینها کاملاً منحاز بودند و جدا بودند از مسائل مبارزه. خیلی سعی کردند که این گروهک‌ها در این مبارزات رخنه کنند، خودشان را به شکل‌های مختلف درآوردند، اما بیداری این مرد و رفقای این مرد، مسائل اینها را روشن کرد. در برنامه‌های مبارزه، افرادی که در خط امام همکاری داشتند، رفقای ایشان بود که همه‌شان وضعشان روشن است.

اما این گروهک‌ها آمدند برنامه جدائی ریختند. دیدند از این راه رخنه‌ای پیدا نمی‌کنند به انقلاب، آمدند برنامه‌های دیگری داشتند که بعد هم وضع اینها روشن شد که اینها روششان، روش اسلامی نیست و این مرد نگذاشت که اینها در برنامه‌های مبارزه رخنه کنند و کلیه این برنامه را به نحو بالایی مدیریت کرد.

یکی از خاطراتی که من از این مرد دارم این را اشاره می‌کنم. مردی بود قوی‌النفس، دارای جذابیّت کلام، این جذابیّت کلامش مال مسائل معنوی است. من نمی‌خواهم این جهات دیگرش را بگویم. مسائل معنوی ایشان

در حدّ بالا بود، تفوای ایشان در سطح بالا بود. حالا بعد اشاره‌ای می‌کنم. یکی از خاطراتی که از این مرد دارم، این است:

ما با ایشان بودیم در این مسائل سیاسی. مطرح شد که امروز، مایه فساد و امّ الفساد، شاه است، کدخداست. باید یک فکری کرد این را، این خار را، از جلوی پای مسلمان‌ها برداشت. این مرد رفت با مرحوم آیت‌الله العظمی میلانی صحبت کرد. در جلسات عدیده تا ایشان را متقاعد کرد که ایشان حکم تکفیر و ترور شاه را تنفیذ کرد و امضاء کرد.

این مسأله خیلی بالاست که از یک مرجعی چنین حکمی بگیرد. و آمد یک شخصی را، مرحوم سرلشکر قرنی را آورد رویش کار کرد. آماده کرد این مرد را که این کار را بکند. بعد ایشان را برد خدمت آقای میلانی. مرحوم آقای میلانی کتباً نوشت کتباً نوشت به قرنی که تو وظیفه داری که این خار را از پیش پای مسلمین برداری. قرنی آماده شد نامه را گرفت، بوسید و رفت برای اینکه این طرح را پیاده کند. مسأله رو شد و قرنی را گرفتند و یک تعداد دیگری را هم گرفتند.

بعد هم آمدند خدمت آقای میلانی، خود آقای میلانی این جریان را به من گفتند. ایشان فرمود بعد از این جریان، آمدند پیش من و گفتند که آیا این نامه از شماست؟ گفتم: «بله. این نامه از من است.» گفتند: شما دستور دادید که قرنی شاه را ترور کند؟ ایشان فرمودند که «بله، من چنین صلاح مسلمانان را دیدم.» این جمله بعدش مهم است. بعد گفتند: الآن روی این نظر باقی هستی یا نه؟ ایشان فرمودند: «الآن هم به این نظر باقی هستم.» من واقعاً معتقدم میلانی یک شخصیت بالائی بود. مردی بود وارسته، و اجمالاً یکی از اعمالی که برای این مرد بود، من خاطرات از این مرد، زیاد دارم. من دیدم دوشم سنگین است. خودم را مدیون دیدم که در حدّ توانم سابقه این مرد را روشن کنم، این مرد بزرگ.

مردی بود بی هوی، بعد از جریان انقلاب، ایشان که در اساس انقلاب، پایه‌گذاری انقلاب و همکاری با امام از هر جهت دخیل بود، بعد از انقلاب جمع کرد از طهران رفت، رفت مشهد مقدّس. یادم است در آن برنامه‌های مبارزات، ایشان گاهی اشاره می‌کرد که این برنامه مبارزات، یک جنبه عبادی دارد. افرادی که در این مسیر، مواجه با مشکلاتی می‌شوند، زندان می‌افتند، ممکن است شکنجه و امثال اینها شوند، ایشان نصیحتی داشت، سعی کنید قصدتان قربت باشد. این عملتان را معامله با یک چیز بخس و کوچکی نکنید.

خود این مرد در دوران انقلاب، بعد از اینکه برنامه انقلاب روشن شد، آمد مشهد. من به ایشان صحبت کردم که در این ایام الآن موقعی است که باید همکاری کنید، تعبیر این مرد قریب به این معنا بود که:

«من امروز رفع وظیفه کردم و ندیدیم که به من احتیاجی باشد امروز(؟) - خیلی نفس قوی می‌خواهد که بتواند خودش را مهار کند. که رخنه نکند درش جهاتی هوایی - اما من این حکومت را، حکومت اسلامی می‌دانم. امروز مسلمان‌ها لوا دارند - این تعبیر شخص ایشان است - و من جایز نمی‌دانم یک فرد مسلمان در سایر ممالک، زیر لوای کفر باشد. من آمده‌ام اینجا، اما اگر رهبر مسلمین (امام) دستور دهد من به دستورش

عمل می‌کنم ولو کار کوچکی باشد. من نماز جمعه را واجب می‌دانم. و خودم مرتب در نماز جمعه شرکت می‌کنم. حالا نماز جمعه هر کسی می‌خواهد باشد. من هر که باشد به او اقتدا می‌کنم.»

ایشان می‌گفت:

«تبعیت از رهبر مسلمین واجب است و اگر به من دستور دهد ولو دستور کلی باشد [اطاعت می‌کنم]»

... اینهایی که به این مسائل می‌رسند اینها یک ارتباط معنوی بالائی دارند ... آن ارتباط معنوی است که چشم دلشان را باز می‌کند، مسائل را به نحو بالائی می‌فهمند. مرحوم امام، دیدید در صحبت‌هایش، صحبت عادی نبود، صحبت‌هایش، صحبت‌های بالایی بود. این نامه‌ای که برای رئیس جمهور شوروی نوشت خیلی قابل تأمل است. اینها الهامات معنوی است. اینهایی که جهات عرفان حقیقی پیدا کرده‌اند، نور عرفان در دلشان پیدا شده، به یک نحو دیگری مسائل را تحلیل می‌کنند. این مسائل ظاهری برایشان مطرح نیست. به لب مسائل رسیده‌اند. بماند. نمی‌خواهم بیشتر تصدیق بدهم. همین‌جا مطلب را تمام کنم. امیدوارم ان‌شاءالله از راه و روش این بزرگوار، ما بیش از پیش بهره ببریم. اما واقعاً این ضایعه بزرگی بود. شاید بعدها کتاب‌هایی بنویسند، سوابق ایشان را بنویسند، من امیدوارم بنویسند. امیدوارم خداوند متعال بر درجات ایشان و مرحوم امام بیفزاید و ما را هم توفیق دهد که از پیروان واقعی اینها باشیم. از روح بزرگ اینها استمداد می‌کنیم که.....
 و صلی الله علی محمد و آله

خاطره‌های دیگر

خاطره ذیل قسمتی از سخنرانی حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد رضائی در ختم علامه طهرانی در شیراز است. ایشان در سال‌های اول انقلاب امام جمعه موقت شیراز بوده و روابطی بسیار صمیمی با مرحوم آیت‌الله حاج شیخ صدرالدین حائری داشتند. و این سخنرانی در مجلس ختمی که توسط آیت‌الله حائری برگزار شده بود و پس از سخنرانی خود مرحوم آیت‌الله حائری ایراد شده است.

و خود همین حاج آقا صدرالدین حدود هفت، هشت، نه سال قبل که من در مورد تفکر سیاسی این مرد بزرگ از ایشان سؤال می‌کردم صریحاً می‌فرمودند این انقلاب اگر روی شانه چند نفر باشد نفر عمده‌اش، سید محمد حسین است. گفتم چرا؟ به صراحت فرمودند ایشان رفتند و به حاج آقا روح‌الله گفتند شما مرد این میدان‌اید. بیائید بیرون. من هم کمک می‌کنم و طرح یاران تحلیفی را با گذراندن پنج مرحله که از پنج فیلتر به تعبیر امروزی‌ها، یاران انتخابی می‌گذشتند تا بعد، پیش خود ایشان، مجلس تحلیف تشکیل می‌شد، و بعد دست روی قرآن و سوگند به قرآن تا آخرین قطره که باز، خود حاج آقا صدرالدین به من می‌گفتند یک بار به مرحوم شهید دستغیب گفتم شما در زندان به این پیرمردی، چطور تحمل کردید که ایشان هم از یاران تحلیفی بودند، ایشان گفتند، فلانی، هر وقت می‌خواستم سرسوزنی کوتاه بیایم، حاج سید محمد حسین با قرآنش می‌آمد جلو و من جرأت نمی‌کردم که مقداری عقب‌نشینی کنم.